



احمد مسجد جامعی
عضو شورای شهر تهران

خشونت یک «طبقه جدید» در کربلا

قتل عام و اعدام‌ها در این دوره هنوز هم کتاب‌های جدیدی منتشر می‌شود. برای فهم ظهور این طبقه جدید به انواع و اقسام مطالعات تاریخی و اجتماعی و اقتصادی نیاز است.

جورج اورول در کتاب «قلعه حیوانات»، تصویری نمادین از جامعه کمونیستی پس از تغییر قدرت سیاسی ارائه می‌دهد که شباهت‌هایی با مفهوم طبقه جدید جیلاس دارد. اورول، تصویری از طبقه‌ای از حیوانات-خوک‌ها-را به صورت نمادین ارائه می‌کند که ناپلئون-سرمدار متصرفان انقلاب- در فضایی گلخانه‌ای و بدون هویت و آرمان و ارزش، پرورش می‌دهد که برای هر گونه فرمانبرداری و نمایش سبوعیت و خشونت، آماده‌اند.

این هانه‌ریشه‌ای در خاک دارند و نه آرمانی در آسمان. به هیچ جغرافیا و هنجاری هم متعلق و وفادار نیستند. این‌ها همان‌هایی‌اند که هر چیزی از ایشان برمی‌آید و ارتکاب سخت‌ترین رذالت‌ها و بی‌رحمی‌های دمدنشان در موردشان، دور از انتظار نیست.

ظهور اسلام هم به عنوان یک نگاه و نظام معرفتی وقتی به خلافت رسید، آستان شکل‌گیری چنین طبقه‌ای بود.

اگر خواسته باشیم علل وقوع واقعه کربلا را بکاویم، ناچاریم نقبی به تاریخ سال‌های قبل از آن بزنیم تا ببینیم که چطور ظهور طبقه جدید موجب شد نواده پیامبر به ناپسندیده‌ترین و وحشیانه‌ترین وضع ممکن به شهادت برسد. فهم این قضیه در گرو فهم ظهور آن طبقه جدید است که برای مال و مقام در پوشش اسلام به هر کاری دست می‌زد و هر کاری و هر اقدامی را مشروع جلوه می‌داد.

واقع این است که ریشه واقعه کربلا را می‌باید در جریان فتوحات و حوادث پس از آن جست و جو کرد.

نقطه انحراف از آنجا شروع شد که شماری از اصحاب تصمیم گرفتند عقیده خود را با فتح سرزمین‌های دیگر گسترش دهند. اما این فکر در عمل به غارت کردن و اسیر گرفتن به عنوان برده منجر شد. از یک سو اموال منقول و غیر منقول و از یک طرف

در دهه ۵۰ شمسی به موازات رواج ادبیات کمونیستی و شبه کمونیستی حتی گاهی بارنگ و لعاب مذهبی، ادبیات نقد کمونیسم و مارکسیسم هم گاهی دیده می‌شد. بخصوص اگر نویسنده یکی از صاحب‌نظران اردوگاه شرق می‌بود، بیشتر جلب توجه می‌کرد. زیرا او از مارکسیسم تجربه عملی داشت و نقد او شاید بیش از هر فیلسوف و نظریه‌پرداز دیگر مورد توجه واقع می‌شد. البته نشر این گونه نقدها هم باتوجه به فضای روشنفکری آن دهه هزینه‌هایی داشت که هنوز هم آثاری از آن را می‌توان کم و بیش در انواع و اقسام رویدادهای فرهنگی دید. از جمله کتاب‌های خوب که هنوز هم خواندنی است کتاب «طبقه جدید» نوشته میلان جیلاس، ترجمه دکتر عنایت‌الله رضا از زبان روسی و جالب آن که نویسنده و مترجم هر دو تجربه عمیقی از زندگی در فضای کمونیستی داشتند. به این معنا که مارکسیسم را با گوشت و پوست و استخوان خود درک کرده بودند. نه آنکه فقط آثار مارکس و لنین را بخوانند و به دیگران توصیه کنند و بر اساس آن‌ها حزب تشکیل دهند.

ایده آن کتاب این است که مارکسیسم علیرغم ادعای نظریه پردازان آن، دست کم در شوروی موجب بروز و ظهور طبقه جدیدی شد که سرنوشته حزب و کشور و یک ابر قدرت و اردوگاه جهانی را در اختیار دارند. طبقه‌ای که در هیچ جایی از نظرات مارکسیستی برای آن جایی نیست.

یعنی طبقه‌ای که نه فتو دال است، نه کارگر، نه تولیدکننده، نه جزو ابزار تولید و هیچ یک از مناسبات طبقاتی و اجتماعی فتو دالی در آن نیست ولی این طبقه از زمین داران بزرگ و صاحبان صنایع بزرگ گرفته تا طبقه کارگر و کشاورز را مورد طعن و ستیم خود می‌گیرد. اینان از همه امکانات اعم از ویلاها و کاخ‌ها و اتومبیل‌ها و زنان و مردان بهره می‌کشند و مخالفان و حتی غیر موافقان را با قدرت و قوت و شدت هر چه تمام‌تر از بین می‌برند و این اقدامات را با عبارات خاص خود یعنی عامل امپریالیسم، دشمن طبقه کارگر و... مشروع جلوه می‌دادند. این طبقه جدید در دوران استالین پارافراتر نهاد و مردم را از کارگر و غیر کارگر و حتی کمونیست و یار نزدیک لنین، از دم گلوله گذراند. درباره

